

## گزارش بازدید از محله‌هایی که وقوع زلزله‌ای مشابه کرمانشاه بسیاری از آن‌ها را با خاک یکسان می‌کند

# شهر آمادہ نیست!

### قسمت دوم

بافت‌های قدیمی و تاریخی فراموش شده

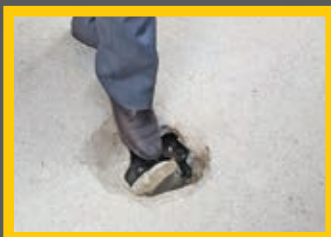


«زلزله که بیاید همه محاسبات عوض می‌شود؛ همه آنچه تا قبل از وقوع زمین‌لرزه پیش‌بینی می‌شد به هم می‌ریزد؛ نمونه‌اش هم می‌تواند آوار شدن همین بافت قدیمی و تاریخی سرشور باشد. بافتی که به خاطر هویتش باید حفظ کرد.»

علی‌آبادی این جمله را با رسیدن به سرشور پنج که خانه سرنیش به نام دکتر شیخ معروف مهر خورده است می‌گوید و ادامه می‌دهد: نمونه این خانه‌ها در سرشور زیاد است. خانه‌هایی که همچون ملک دکتر شیخ با وجود ارزشمندی و تاریخی بودنش رها شده‌اند. دیوارهایشان رطوبت‌کشیده، ترک برداشته و حتی نشست کرده‌اند. از آن جایی که میراث فرهنگی هم توجهی به چنین خانه‌هایی ندارد، بیشترشان به حالت مخروبه درآمده‌اند. مخروبه‌هایی که تهدید بزرگی برای سرشور محسوب می‌شوند. چرا که با آمدن زلزله ۵ تا ۶ غریب‌تری بیشتر آن‌ها آوار خواهند شد. البته منظور این نیست که این خانه‌های قدیمی و تاریخی خراب شوند، بلکه باید مقاومت‌سازی صورت گیرد. همچون بافت تاریخی اصفهان و یزد که مسئولان میراث فرهنگی در ترک دیوار خانه‌های قدیمی برای جلوگیری از ریزش موادی تزیین‌کرده‌اند یا دیوارهایی را که با قرار دادن تیر آهن امکان مستحکم‌تر شدن داشته، الگوی ضرب‌دری پیاده کرده‌اند.

### قسمت سوم

چاه‌های جذبی نالایم



تالان بخاود در کوچه پس کوچه‌های سرشور چاه‌های جذبی حفر شده است؛ چاه‌هایی که بیشترشان فرسوده‌اند. نقطه‌هایی که علی‌آبادی با رسیدن به آن‌ها رویشان ضرب‌در

### قسمت اول

سقف‌های طلقی وزیر طاقی‌های لرزان



لرزش‌ها که به سراغ زمین می‌آید، اصل اول مقاومت سازه‌ها در برابر آن است. مقاومتی که در محله سرشور به چشم نمی‌آید. نمونه آن هم وجود سقف‌های طلقی بازار و زیرطاقی‌های لرزان مغازه‌ها است.

نقاط نایمی که علی‌آبادی ضمن شمردن آن‌ها می‌گوید: هیچ‌کجای دنیا برای بازار مسقف از طلق استفاده نمی‌شود؛ آن هم با چند خورده جوش که افتادنش نیاز به زلزله ندارد، بلکه با وزش باد هم روی سر مردم خراب خواهد شد. از این بدتر اینکه این طلق‌های مسقف که از ابتدای خیابان سرشور تا چند کوچه بالاتر کشیده، طوری طراحی شده که بخشی از دیوار خانه‌های قدیمی بالاتر از آن و بیرون جامانده‌اند که لرزیدنشان با زلزله، آوری خواهد شد روی سر عابران.

از طرف دیگر در این بازار سر وزیر طاقی مغازه‌ها با چند آجر بسته یا با حلب تزیین شده است. این یعنی خود حادثه. به این معنی که اگر زلزله بیاید و کسی از زیر آوار ماندن آسیب نبیند از افتادن همین زیرطاقی‌های لرزان معیوب خواهد شد! البته انتقاد کردن از وجود این موارد به این معنی نیست که باید مغازه‌داران برای مغازه‌هایشان زیرطاقی نزنند یا بازار سرشور از مسقف بودن خارج شود، بلکه تأکید بر مقاومت‌سازی قبل از بحران است. به این صورت که سقف استاندارد با پایه‌های جوش قوی زده شود و زیرطاقی‌ها هم حلب و آجر باره نباشد.

فاطمه شوشتری - «صبح پس از شامگاه لرزان دوشنبه مشاهدات سرشور دیگر شبیه خیابان نیست. کوچه‌ای که دو طرفش به جای مغازه، هتل و خانه‌ها؛ تلی از آجر و تیر آهن و سیمان نقش بر زمین شده، دیوارهای شکسته هم کوچه‌ها را بسته، سقف‌های ریخته، اجناس و مغازه‌داران را محبوس کرده است. آسفالتی که روزگاری تنها حفاظ چاه‌های جذبی بود، شکاف خورده است. تا گوش می‌شنود، صدای فریاد و گریه است. صدای شیون هم بلند است که روی جنازه‌های بیرون کشیده از زیر آوار می‌نشیند. نگوای نهفته لایه‌لای دیوارها، زیر خشت و آجرها کم نیست. زلزله زده‌هایی هم دیده می‌شوند درست کنار سگ‌های زنده‌یاب همراه داوطلبان، سگ‌هایی که در کنار آوار، آوار غم و مصیبت، تنها روزنه امید هستند. اما این همه آنچه به چشم می‌آید نیست! در میان همه این‌ها زبانه‌های آتش که از داخل مغازه به توفروشی بیرون زده و هر لحظه با رسیدن به بساط جدیدی از سرمایه‌های آوار شده دم می‌گیرد، نیز دیده می‌شود.» یک نفر تنه می‌زند و با صدای بلند «خاتم اینجا، جای ایستادن نیست» به خود می‌آیم و تصویر سرشور بعد از زلزله محو می‌شود. درست است این من بودم که ابتدای خیابان سرشور در نزدیکی حرم ایستاده و فکر می‌کردم حالا که زلزله در ایران همه‌گیر شده، اگر کسلی در مشهد بلرزد چه فاجعه‌ای رخ خواهد داد. اتفاق ناخوشایندی که برای مشهد، شهری که ۱۶ فروردین از حرکت گسل‌های سفید سنگ لرزیدور از ذهن نیست با همین پهنا که هم‌زمان شده با هدی، روز «ایمنی در برابر زلزله»، در این شماره شهر آرامحله با حضور آقای علی‌آبادی یکی از کارشناسان مدیریت سامان‌دهی و مهندسی بحران شهرداری مشهد، سری به چند محله مسکونی، تجاری در منطقه ۸ زدیم. بافت‌هایی که شاید این روزها تهدیدی برای مردم نباشد، اما زمانی که زلزله بیاید بالای جان‌ها خواهد شد، به ویژه در محله‌های قدیمی و تاریخی که کسی به فکر مقاومت‌سازی نیست.

### سرشور در یک نگاه



سرشور یکی از محلات قدیمی و تاریخی مشهد، در نزدیک‌ترین نقطه به حرم مطهر رضوی است. در این خیابان که بخش‌هایی از سقف آن با طلق‌های رنگی پوشیده شده، بیش از ۳ هزار و ۶۰۰ مغازه تجاری، هتل، سوئیت، آبار تمان و خانه مسکونی وجود دارد. از بین این آمار هنوز هم بیش از ۵۰۰ ملک قدیمی باقی‌مانده که در بین ۴۰ کوچه سرشور تقسیم شده است. در این بین سرشور مشخصه دیگری هم دارد، کوچه‌های باریک و پیچ‌در پیچ از جمله آن‌هاست. با همه این وجود چیزی که دیده نمی‌شود، مقاومت‌سازی خاصه در منازل مسکونی، اقامتی و تجاری‌های قدیمی است. البته ملک‌هایی که به ظاهر تازه‌ساز هستند

فرمز می‌کشد.

او وجود چاه جذبی را در محلات اشتباه نمی‌داند، اما این توضیح را هم اضافه می‌کند: متأسفانه چاه‌های جذبی به مرور زمان حالت اسیدپتیه و خوردگی پیدا می‌کنند. به همین دلیل باید هر پنج سال یکبار بازسازی و آجرچینی دوباره شوند و تایک متر خط احتیاط بکشند. امر مهمی که انجام نمی‌شود. از همین رو اگر زلزله‌ای در مشهد بیاید که ریشترش بالا باشد این چاه‌ها با عمری که از سرگذرانده‌اند، نشست خواهند کرد و چاه‌های چهارمتری را به وجود می‌آورند. چاه‌هایی که ممکن است موقع فرار مردم از زلزله افراد زیادی را به دل خود بکشد.

با همین استدلال او به چند کوچه دیگر هم سر می‌زنیم. در تمام کوچه‌ها چاه‌های جذبی بدون علامت و حفاظ هستند. حتی در سرشور ۱۰ از کوچه‌های کوچک و بزرگ به سمت با پنج هتل چند طبقه، چاه جذبی وسط کوچه قرار گرفته است. علی‌آبادی روی این چاه دست می‌گذارد و آن را بالای جان بیش از ۵۰ نفر در این معبر می‌خواند: تنها ورودی این کوچه از دو طرف با دیوارهای قدیمی، فرسوده و رطوبت داده محصور است. یعنی با آمدن زلزله این دیوارها خواهند ریخت. از طرف دیگر کارکنان و افرادی که در این پنج هتل قرار دارند برای جان سالم به در بردن به کوچه فرار خواهند کرد. چون خروجی مسدود می‌شود باید روی همین چاه جذبی که از آن خبر ندارند، پناه بگیرند. جایی که ماندن و نشست نکردنش با اما و اگر همراه است.

### قسمت چهارم

هتل‌های ۱۰ طبقه در دل کوچه‌های یکمتری



صحنه‌ای که پس از مسیر طولانی در کوچه پس کوچه‌های سرشور پیش رویمان ظاهر می‌شود و خستگی مان را دوچندان می‌کند: وجود هتل‌هایی بیش از شش طبقه که در برخی از محل‌ها تا حدود ۱۰ طبقه هم بالا رفته، در دل کوچه‌های یکمتری است.

تصویری که علی‌آبادی آن را بحرانی‌ترین نقطه سرشور می‌خواند: در هر یک از این هتل‌ها حداقل ۳۰ تا ۴۰ نفر حضور دارند که روز به روز جمعیت‌شان هم بالا می‌رود. آن هم در